

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ!

سیاست در اعماق دین بوده و سیکولاریزم کفر آشکار است!

(ترجمه)

به روز یکشنبه (19 جنوری 2020م) در جریده "الاهرام" مقاله‌ای از سعد محمد احمد، تحت عنوان "سیکولاریزم و آزادی ادیان" نشر گردید. در مقاله‌ای فوق چندین موضوعات مخالف اسلام ذکر گردیده است. بعضی آن قرار ذیل است: صراحتاً به سیکولاریزم فراخوانده است با این استدلال که سیکولاریزم با اسلام در تناقض قرار ندارد. ارتباط دادن "اسلام" به حکومت نجات ناپود شده (حکومت سودان)، اقرار به این که رجال دین در اسلام وجود دارد، ارتباط دادن مفهوم آزادی سیکولاریستی به مفهوم آزادی در اسلام، جدایی اسلام از سیاست و حکومت‌داری با این استدلال که دین فقط روابط فرد را با پروردگارش تنظیم نموده و با دولت هیچ ربطی ندارد، از موضوعات این مقاله می‌باشد. برعلاوه این نکات، امور دیگری را نیز ذکر نموده؛ اما من به ارایه پاسخ به بعضی از آن امور اکتفا می‌نمایم.

با پرسش‌های ذیل به آن می‌پردازیم: سیکولاریزم چیست؟ و چه کسی گفته سیکولاریزم با اسلام مخالف نیست؟

نویسنده مذکور سیکولاریزم را تعریف نکرده است. تعریف آن، جدایی دین از زندگی و دولت است و این در تناقض کامل با اسلام قرار دارد؛ زیرا اسلام عقیده‌ای است که از آن نظام‌های زندگی سرچشمه می‌گیرد و آن نظام‌ها احکام شرعی شمرده می‌شود که مشکلات مردم را حل می‌کند. از جمله آن نظام‌ها، نظام حکومت‌داری است و آن خلافتی است که الله سبحانه و تعالی بر مسلمانان فرض گردانیده و نیز فرض گردانیده که در آن دولت، احکام اسلام را در تمام بخش‌های زندگی تطبیق کند. الله سبحانه و تعالی فرموده است:

﴿وَأَنِ احْكُم بَيْنَهُم بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَهُمْ وَاحْذَرْهُمْ أَنْ يَفْتِنُوكَ عَنْ بَعْضِ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ إِلَيْكَ﴾ [المائدة: ۴۹]

ترجمه: و (به تو ای پیامبر فرمان می‌دهیم به این که) در میان آنان طبق چیزی حکم کن که الله بر تو نازل کرده است و از امیال و آرزوهای ایشان پیروی مکن و از آنان برحذر باش که (با کذب و حق‌پوشی و خیانت و غرض‌ورزی) تو را از برخی چیزهایی که الله سبحانه و تعالی بر تو نازل کرده، منحرف سازند!

و نیز فرموده است:

﴿وَمَنْ لَّمْ يَحْكَمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ﴾ [المائدة: ۴۷]

ترجمه: و کسانی که بدان چه الله سبحانه و تعالی نازل کرده است، حکم نکنند، او و امثال او فاسق‌اند.

این موضوع را افعال و کارکرد رسول الله صلی الله علیه و سلم، اصحاب کرام رضی الله عنهم اجمعین و حکام مسلمانی که بعد از آنان در طول سیزده قرن روی قدرت آمدند، تأیید می کند. از مسلمانان هیچ روایتی نیست که آنان غیر از اسلام چیزی را تطبیق کرده باشند. بدون شک جای گزینی تشریحات قانون های بشری به عوض احکام الله سبحانه و تعالی در دولت و در زندگی عامه مردم، تجاوز آشکارا به حریم تعیین شده از جانب الله تبارک و تعالی است؛ چنان چه الله سبحانه و تعالی فرموده است:

﴿إِنَّ الْحُكْمَ إِلَّا لِلَّهِ أَمَرَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ ذَلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ﴾ [یوسف: ۴۰]

ترجمه: فرمانروائی از آن خداست و بس. الله سبحانه و تعالی دستور داده است که جز او را نپرستید. این است دین راست و ثابتی (که ادله و براهین عقلی و نقلی بر صدق آن رهبرند)؛ ولی بیش تر مردم نمی دانند (که حق این است و جز این پوچ و ناروا است).

بدین معناست که غیر از الله سبحانه و تعالی کس دیگری حق تشریح را نداشته و این عین کفر است. چه کسی گفته است که حکومت نجات (سودان) اسلام را تطبیق کرده و یا تمثیل کننده ای اسلام است؟

اسلام از حکومت انقاز (نجات) به سان دوری شرق از غرب دور است؛ زیرا حکومت نجات، اسلام را تطبیق نکرده است؛ حتا برای یک ساعت. برای اثبات این امر سخنرانی بشیر، رئیس آن دولت که در سال 2015م در شهر کسلا ایراد نمود، گواه است؛ بلکه آن حکومت سیکولاریستی در لباس شعارهای اسلام بود و دلیل بر این، تمام دستورها و قوانینی است که در جریان حکومتش تطبیق نمود. تنها به این اکتفا نکرده؛ بلکه بر ضد اسلام بی وقفه مبارزه کرده، قدرت و سلطه را از امت غصب نمود؛ درحالی که اصل در اسلام این است که سلطان/قدرت از آن امت است و امت در اختیار حاکم خود حق دارند؛ زیرا حاکم نماینده امت در تطبیق اسلام است. جنوب را تجزیه نموده و طبق نقشه آمریکا برای پارچه نمودن باقی مانده سودان آتش جنگ را در مناطق دارفور، کردفان، نیل الازرق و سائر مناطق، شعله ور ساخت که زمینه تجزیه را فراهم نمود. جنایات دیگرش قابل شمارش نیست. تمامی افعال و کارکردهای آن، دور بودن کاملش را از دین تأیید می کند.

چه کسی گفته است که رجال دین در اسلام وجود دارد؟

اصطلاح رجال دین اصلاً با اسلام ارتباطی نداشته؛ بلکه در کلیساهای اروپا وجود دارد. آن ها کسانی هستند که خود را نمایندگان و امپراطوران خدا در زمین خوانده، مردم را به نام دین به بردگی گرفته و آنان را به طور کامل ذلیل ساخته اند تا آن که مردم بر علیه آنان انقلاب/شورش نموده و به حل وسط رسیدند، دین را از زندگی دور ساخته و آن را منحصر به کلیسا ساختند. از این جا سیکولاریزم نشأت نمود.

وجه شبه/مشابهت میان آزادی سیکولاریستی و آزادی اسلام چیست؟

آزادی که سیکولاریزم به آن فرا می خواند، بر چهار پایه استوار است:

1- آزادی عقیده: یعنی این که انسان در انتخاب دین اش اختیار دارد و حق دارد که هر وقت خواست دین اش را عوض کند.

2- آزادی شخصی: یعنی انسان حق دارد هرچه بخواهد انجام دهد، هرچه خواست بنوشد، هرچه خواست بخورد و هرچیزی را که خواست بیوشد... تا آخر.

3- آزادی ملکیت: یعنی انسان حق دارد که دارایی/سرمایه خود را هر قسمی که بخواهد رشد دهد. از طریق سود، قمار، تجارت مواد مخدر، فحشا، فساد جنسی و سائر طریقه‌های که با آن دارایی/سرمایه را رشد و افزایش می‌دهند.

4- آزادی بیان: انسان حق دارد که هرچه خواست بگوید و هرگونه عقیده‌اش را بیان نماید.

این اساساتی‌ست که آزادی در سیکولاریزم بر آن استوار است. هرگاه این آزادی‌ها را در میزان اسلام بگذاریم در می‌یابیم که سیکولاریزم در کلیات و جزئیات با اسلام در تناقض قرار دارد. مفصل به تناقض هر چهار آزادی می‌پردازیم:

آزادی عقیده: اسلام هیچ‌کسی را مجبور به گرویدن به اسلام نمی‌کند؛ اما هرگاه وارد اسلام شد، حق خروج از اسلام را ندارد. مسلمانان حق آزادی عقیده را ندارند؛ زیرا الله سبحانه و تعالی فرموده است:

﴿إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ﴾ [آل عمران: ۱۹]

ترجمه: بی‌گمان دین (حق و پسندیده) در پیشگاه الله سبحانه و تعالی اسلام (خالصانه تسلیم فرمان الله شدن) است.

و رسول الله صلی الله علیه و سلم فرموده است: کسی که دین خود (اسلام) را عوض کرد، پس او را بکشید؛ بناءً آزادی عقیده وجود ندارد.

آزادی شخصی: بدون شک اسلام افعال بندگان را به احکام شرعی مقید نموده است. احکام شرعی وجود دارد که مسلمان را محدود می‌سازد؛ به طور مثال: زنا و نوشیدن شراب حرام گردانیده شده و بیرون شدن زن از خانه بدون لباسی که اسلام آن را تعیین کرده، حرام است.... بلکه بر کسی که با این احکام مخالفت ورزد مجازات وضع نموده است. قاعده شرعی می‌گوید: (اصل در افعال مقید بودن به حکم شرعی است.)؛ بناءً آزادی شخصی در اسلام وجود ندارد.

آزادی ملکیت: اسلام برای فرد چگونگی تملک و به دست آوردن دارایی/سرمایه، چگونگی استفاده از آن و چگونگی رشد و توسعه آن را تعیین نموده است؛ پس برای هر فرد مسلمان جایز نیست که از طریق ربا یا از طریق فریب، غش و دروغ، و یا تجارت اجناس حرام گردانیده شده، دارایی خود را رشد و گسترش دهد؛ چنان‌چه وی صلی الله علیه و سلم فرموده است:

«لَا تَزُولُ قَدَمَا عَبْدٍ يَوْمَ الْقِيَامَةِ، حَتَّى يُسْأَلَ عَنْ عُمُرِهِ فِيمَا أَفْنَاهُ، وَعَنْ عِلْمِهِ مَا فَعَلَ بِهِ، وَعَنْ مَالِهِ مِنْ أَيْنَ اكْتَسَبَهُ، وَفِيمَا

أَنْفَقَهُ، وَعَنْ جِسْمِهِ، فِيمَا أَبْلَاهُ» (رواه البزرا و الطبراني)

ترجمه: در روز قیامت هیچ بنده‌ای قدم بر نمی‌دارد تا این که از چهارچیز پرسیده شود. از عمرش که در چه گذرانده است، از علم‌اش که با آن چه کرد، از مال و دارایی‌اش که از کجا کسب نمود و در چه چیزی به مصرف رساند و از بدنش که در چه چیزی فرسوده نمود. (جواری خود را در کدام راه سپری نمود)

پس در اسلام آزادی ملکیت وجود ندارد.

آزادی بیان: اسلام تعیین نموده است که انسان از هر چیزی که به زبان می‌آورد، مسئول است؛ بلکه زبان را وسیله دخول به جنت و دوزخ گردانیده است. دشنام، ناسزا و هر چیزی که به بدی شخصی تمام شود را حرام نموده است؛ اما آزادی در غرب فرصت بدگویی به رسول‌الله صلی‌الله‌علیه‌وسلم را داده است. در فیلم‌ها تمثیل آن را به دلیل آزادی بیان بارها به نمایش گذاشته‌اند. آیا این آزادی‌ست که تو می‌خواهی؟!

پس آزادی که عمر ابن‌الخطاب رضی‌الله‌تعالی‌عنه از آن سخن گفته است، آن بیرون نمودن مردم از پرستش مردم و رهنمون ساختن‌شان به عبادت رب و پروردگار مردم است؛ نه بیرون راندن مردم از احکام رب؛ چنان‌چه در سیکولاریزم چنین است!

در خاتمه برای شما سیکولارها و امثال شما که به سیکولاریزم فرا می‌خوانید، می‌گویم: یا این که شما با اسلام و سیکولاریزم آشنایی ندارید و این در صورتی‌ست که ما به شما گمان نیک ورزیم و یا این که شما دشمنان دین‌الله هستید که با اسلام به بهانه‌های واهی و بی‌اساس دشمنی می‌ورزید و در سینه‌های خود کینه را حمل نموده و بر اسلام و مسلمانان کینه می‌ورزید. یا این که از الله بترسید و اسلام را با تشریحات و احکام آن فرا گیرید، به خود بیایید و به سوی الله توبه کنید، این در صورتی ممکن است که ذره‌ای اسلام در شما وجود داشته باشد و اگر ذره‌ای از اسلام در شما وجود ندارد؛ به طور آشکار از اسلام و اهل آن رهایی گزینید تا آن که تمام امت از شما بیزاری جوید. انتخاب به دست شماست! والسلام!

محمدالامین دفع‌الله - خرطوم (سودان)

30 جمادی‌الاولی 1441 ه.ق.

25 جنوری 2020 م.

مترجم: حمزه پارسا